

آناهیتا غنی زاده، کارگردان:

کودکان امروز با مسئله فرهنگ و فلسفه آشنا شده‌اند

عادت‌های مخاطب پیش نرویم چون معتقدیم که کودکان همانقدر که باید در یک نمایش طراحی دکور، لباس، عروسک، گریم، نور و بازیگری و عروسک گردانی خوبی ببینند باید یک موسیقی خوب نیز بشنوند و به این موسیقی عادت کنند و وظیفه ما به عنوان هنرمند همین است. در واقع کنار هم قرار گرفتن همه این عناصر سبب شد تا مخاطبانی از گروه‌های سنی مختلف داشته باشیم که هر کدام توانستند با کار ارتباط برقرار کنند به همین علت من از تمام اعضای گروه به خاطر همراهی و تخصصشان متشکرم.

استفاده از انیمیشن دوبعدی چگونه وارد این نمایش شد و آیا در آثار پیشین نیز از انیمیشن استفاده کرده بودید؟

در آثار قبلی نه به این شکل اما به شکل دیگری از انیمیشن استفاده کرده بودیم بر اساس همان پیشینه‌ای که در هنرهای تجسمی دارم قاب‌های جذاب و زیبارا خیلی دوست دارم همینطور تصویرسازی و برای من مهم است که آثار قاب‌های ویژه و هیجان برانگیز برای بچه‌ها داشته باشد. استفاده از انیمیشن در این نمایش پیشنهاد نویسنده بود و مقرر بود در ابتدا این بخش از کار را با تکنیک سایه کار کنیم اما من تغییر نظر دادم و از روشک ستاری خواستیم تا طراحی را انجام دهند و ساخت آن نیز با آقای بهنام فردا فاشاری بود.

سخن‌پایانی

تئاتر یکی از آن هنرهای هم‌شرايط سخت و فشرده ساخته می‌شود نیاز به حمایت دارد. به نظر من خیلی خوب خواهد شد اگر بخش‌های خصوصی بتوانند حامی بخش‌های فرهنگی و هنری باشند و این درک را داشته باشند که اگر محصولی برای خانواده تولید می‌کنند آن خانواده نیاز دارد که برای محصول فرهنگی و هنری نیز تولید شود. چرا که با بالاتر رفتن فرهنگ یک خانواده و فرهنگ جامعه، شکل استفاده و فرهنگ استفاده نیز به همان نسبت بالا می‌رود بنابراین ما لازم و ملزوم یکدیگر هستیم و مثل یک زنجیره به هم وصل هستیم. از طرفی به لحاظ هزینه‌ها حمایت کردن از آثار فرهنگی و هنری برای یک تولیدکننده جایی از ارعاب ندارد اما همین حمایت برای ما فعالین عرصه فرهنگ و هنر می‌تواند یک اتفاق ویژه را رقم بزند و فعالینی مانند ما که کارمان همین است به جای اینکه هر چند سال یکبار اثری را تولید کنیم با وجود این حمایت‌ها می‌توانیم بیشتر کار کنیم و خود این حمایت نیز تبدیل به یک عادت جذاب، زیبا و فرهنگی می‌شود. فکر می‌کنم که ما نباید تئاتر را دست کم بگیریم و سوال این است که چرا به پیشنهادها ما که سال‌هاست در عرصه فرهنگ و هنر فعالیت می‌کنیم اهمیت نمی‌دهند و تئاتر را به سطح مدارس نمی‌برند؟ چرا آموزش و پرورش انقدر نسبت به این ماجرای تئاتر خود را بیگانه می‌بیند در حالی که از طریق تئاتر می‌توان در تمامی مسائل راه کودکان آموزش داد. هر آنچه در بزرگسالی برایمان رخ می‌دهد نشئت گرفته از کودکی ما است و چقدر خوب خواهد بود که بتوانیم از کودکی با نمایش و به خصوص نمایش خلاق و که بسیار موثر است و ویژگی‌های مثبت شخصیتی را در فرزندمان پرورش بدهیم و برای آینده انسان‌هایی پر از اعتماد به نفس، تمرکز، خلاقیت و انسان‌هایی گروه‌پذیر پرورش دهیم.



از رده سنی مخاطبان

این نمایش بگویند.

ما بازه سنی ۶ تا نهایت ۱۲

سال را برای مخاطب در نظر گرفتیم. در واقع

من به رده سنی ۹ تا ۹۹ سال معتقد نیستم و فکر می‌کنم کار باید بر اساس گروه سنی مشخصی تهیه شده باشد و بر همین اساس شناخت مخاطب از اهمیت زیادی برخوردار است چون دایره لغاتی که استفاده و مبحثی که برای رده سنی مدنظر باز می‌شود باید برای آن بازه سنی قابل درک باشد اما ما مخاطبانی با سن کمتر و حتی مخاطبانی با سن بسیار بالاتر یعنی رده بزرگسالان و میانسالان هم داشتیم و خوشبختانه مخاطبان کم سن و سال‌تر نیز توانستند با کار ارتباط برقرار کنند که به گفته والدینشان علت آن دکور، لباس مناسب و توجه به جزئیات بود. در اولین اجراها با این مسئله مواجه بودیم که مخاطب ریتم دیگری را در موسیقی‌های نمایش طلب می‌کرد اما خواسته ما به عنوان گروه نمایشی این بود که بر اساس

ورود شما به عرصه نمایش کودک و نوجوان چگونه بود و جذابیت فعالیت این عرصه برای شما چیست؟



خوشبختانه هنر سالیان سال در مسیر زندگی ام بوده است. من پس از آنکه در هنرستان هنرهای زیبا نقاشی و مجسمه‌سازی خواندم، در فرهنگسرای نیاوران به تحصیل در زمینه گرافیک پرداختم و افتخار این را دارم که چهار سال در تلویزیون خدمت آقای اسفندیار احمدی و آقای نصرت کریمی انیمیشن را آموزش ببینم و ما حاصل همه این‌ها منجر به این شد که در کنکور هنر شرکت کنم و در رشته کارگردانی تئاتر به تحصیل ادامه دهم. مجموعه این تجربیات و دانش از هنر برایم بسیار مفید بود و در مسیر کارگردانی به من خیلی کمک کرد. در ادامه برای همراهی بیشتر با فرزندانم در مهد کودک به آموزش نقاشی خلاق مشغول شدم و در این مسیر متوجه شدم که چقدر به تأثیرگذاری روی کودکان علاقه‌مند هستم و تلاش کردم تا در این راستا حرکت کنم بنابراین پس از پایان تحصیلات تئاتر هر جا که فرزندانم مدرسه یا مهد کودک می‌رفتند و امکانش وجود داشت که دوره یا کلاسی برگزار کنم نه تنها پرهیز نکرده که اصراً هم کردم تا این اتفاق بیفتد و این همراهی با کودکان باعث شد علاقه‌مند شوم بیشتر در کنار کودکان و حتی والدینشان باشم. گرفتن مجوز آموزشگاه هنرهای نمایشی نیز در همین راستا بود و ما با درخواست‌های زیادی در مورد مربی‌نمایش خلاق روبرو بودیم. از طرفی پایان‌نامه دوره لیسانس من نیز به بررسی نمایش خلاق مربوط بود و از طریق دکتر اکرم قاسم پور که با بچه‌ها نمایش خلاق کار می‌کردند با این مقوله آشنا شدم و چقدر خوشحالم که از طریق ایشان این آشنایی رخ داد چرا که درست‌ترین تعریف از تکنیک نمایش خلاق را ایشان به من آموزش دادند. مجموع این مسائل باعث شد تا من به دنبال منبع مکتوبی در ارتباط با نمایش خلاق باشم اما تنها به کتابی از خاتم‌رضا قزل‌ایاغ رسیدم و با محدودیت منابع مکتوب در موضوع نمایش خلاق روبرو شدم. سرانجام در کتابخانه کانون با یک منبع انگلیسی زبان برخورد کردم و در نهایت از لحاظ تئوریک توانستم با مبحث نمایش خلاق آشنا شوم. من به این معتقد بودم که صرفاً تجربه عملی کفایت نمی‌کند و دانش تئوری باید توأمان با این تجربه باشد. از آنجایی که با مربیان کودکان کار می‌کنیم این مربیان دغدغه‌های امروز کودکان و چالش‌های آنها با خانواده را به ما در میان می‌گذارند و باعث می‌شوند ما به روز باشیم. بر همین اساس من معتقدم کسی که کار تئاتر می‌کند برای شناخت مخاطبش چه بهتر که بتواند کار آموزشی نیز انجام دهد.

پروژه این نمایش چگونه کلید خورد؟

سال ۱۴۰۲ بود که آقای زین‌العابدین مسئول مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری که همیشه به من لطف داشتند شعله دوباره تئاتر کار کردن را در ذهنم روشن کردند. پیرو همین مسئله روزی در انتشارات «بازی اندیشه» از آقای شکوری خواهش کردم تا چند کتاب که قابلیت تبدیل به درام را داشته باشند معرفی کنند. در میان کتاب‌هایی که ایشان معرفی کردند کتاب «عشق که می‌گویند چیست؟» از دیوید کالی بیش از بقیه توجه مرا جلب کرد. از طرفی چند سالی است که با خاتم‌خسروی در شورای کتاب کودک همکاری می‌کنیم و هر دو، عضو گروه بررسی ادبیات نمایشی کودک هستیم و نمایشنامه‌های مکتوب و چاپ شده را به اتفاق دیگر دوستان بررسی می‌کنیم و از این منظر دیدگاه‌های مان به هم خیلی نزدیک است و حرف‌هم‌را می‌فهمیدیم. مضاف بر آن، خود خانم خسروی دکترای ادبیات نمایشی دارند و همین مسئله عاملی شد که من برای نوشتن این نمایشنامه از ایشان دعوت کنم و به نظر من این اثر انعکاس بسیار خوبی داشته و دارد نه اینکه من بگویم بلکه این بازخورد مخاطبان این نمایش است. خوشبختانه ما دغدغه‌ای در مورد متن نداشتیم و با توجه به حساسیتی که همه گروه داریم آنقدر قابلیت متن بالا بود که نیازی به تغییر نداشت البته در جریان اجرا و قطعاً وقتی نمایشنامه اکت‌پیدامی کند چیزهای اضافه و یا کم می‌شود اما چهارچوب هیچ چیزی تغییر نکرد.

مهمترین نکته در مورد نمایش شما پرداختن به یکی از سوالات تابوی دوران نوجوانی یعنی عشق است. تابویی که شاید تاکنون شکسته نشده است.

بله من تحقیقات میدانی زیادی انجام دادم و از اساتید و متولیان امر پرس و جو کردم اما متأسفانه به این نتیجه رسیدم که نه تنها در طول این ۴۷ سال بلکه حتی پیش از آن نیز واقعاً به این صراحت به مقوله عشق برای کودکان پرداخته نشده است. متأسفانه ما همواره صورت مسئله را پاک می‌کنیم و این موضوع در فرهنگ ما ریشه دارد. در واقع به این علت که پاسخ آن مسئله و سوال را نداریم و به جای آنکه بگویم نمی‌دانیم و تحقیق کنیم تا بفهمیم، صورت مسئله را پاک می‌کنیم. در حالی که نباید از سوالات کودکان فرار کرد و اگر جواب را نمی‌دانیم باید صادقانه بگویم نمی‌دانیم و اینکه خودمان به تحقیق برای یافتن پاسخ بپردازیم و کودکان را نیز به این تحقیق تشویق کنیم و برای یافتن جواب به تعامل با کودکان